

## کتابهای درسی در ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷-۱۲۳۰

اسفندیار معتمدی

حدود دو قرن پیش میان ایران و روسیه جنگهای نسبتاً طولانی درگرفت و با وجود رشادتهای سربازان ایرانی در حفظ کشور، شکست خفت‌باری نصیب ارتش شد و سرزمینهای گرجستان و قفقاز از بدنه ایران جدا شدند. همین شکست و بستن دو عهدنامه ننگین گلستان و ترکمانچای، ایرانیانی را که گذشته پرتوان این سرزمین را می‌شناختند و به آینده آن امید داشتند با پرسشهای جدی روبه‌رو کرد. پرسش آن بود که لشکریان روسیه چه داشتند که ما نداشتیم؟ چگونه می‌توانیم نیرومند شویم و شکست و عقب‌ماندگی خود را جبران کنیم؟

اندیشمندان و اصلاح‌طلبان جامعه، وجود نظم و قانون و داشتن علم و فناوریهای جدید را عامل پیروزی تشخیص دادند و چاره کار را، دست یافتن به آنها از راه تأسیس مراکز علمی و فنی، استخدام معلمان و مشاوران خارجی، اعزام محصل به خارج، انتشار روزنامه، ترجمه و تألیف کتابهای علمی و فنی و برقراری ارتباط با کشورهای پیشرفته یافتند؛ و به دنبال فرصت مناسب برای عملی کردن این کارها بودند.

با روی کار آمدن میرزا تقی‌خان امیرکبیر و استقرار سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ ه.ق)، اقدامات اصلاحی همه‌جانبه‌ای در کشور آغاز شد که یکی از آنها تأسیس دارالفنون و آغاز آموزش علوم و فنون جدید در ایران بود. اما ابتدا دارالفنون به ساختمان، معلم، برنامه، کتاب درسی و وسایل کار و بودجه نیاز داشت که آنها را امیرکبیر برنامه‌ریزی کرد.

ابتدا امیرکبیر زمین ساختمان را نزدیک کاخهای سلطنتی و در مجاورت میدان توپخانه از هر جای دیگر مناسب‌تر تشخیص داد و پس از موافقت شاه از میرزا رضاخان

مهندس تبریزی<sup>۱</sup> خواست نقشه ساختمان را تهیه کند. میرزا رضاخان نقشه عمارت را شبیه سربازخانه‌ای که در انگلیس دیده بود ترسیم و آماده کرد. معمار ساختمان، استاد محمدتقی معمارباشی جدّ مادری کامران میرزا، پسر ناصرالدین شاه بود که در مدت دو سال (از ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸) ساختمان را به پایان رساند.

امیرکبیر نسبت به پیشرفت کار ساختمان و تأسیس مدرسه بسیار علاقه‌مند بود به طوری که هر وقت فرصتی می‌یافت به سرکشی ساختمان و کار بستن آن می‌پرداخت. همزمان با شروع کار ساختمان مدرسه، امیرکبیر از داودخان، که زبان فرانسه می‌دانست، درخواست کرد که به اتریش<sup>۲</sup> برود و شش نفر معلم دانا و ماهر اتریشی را برای مدت شش سال استخدام کند. سالانه با هزینه رفت و آمد حقوق هر معلم را حداکثر چهار هزار و چهارصد تومان مشخص کرد.

پس از مدتی دستور داد که یک معلم که فیزیک و شیمی و دوسازی درس بدهد و دو نفر که در معدن سررشته داشته باشند استخدام کند.

جان داودخان، مترجم اول دولت علیه ایران، پس از سفر به اتریش هفت معلم، هر یک به مدت پنج سال، با قراردادی مشخص استخدام کرد و به ایران فرستاد. پنج نفر از استادان درست دو روز پس از عزل امیرکبیر از صدارت به تهران رسیدند و استقبال شایسته‌ای از آنها نشد. این استادان رشته‌های پیاده‌نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، داروسازی و معدن را دایر کردند.<sup>۳</sup>

در آن زمان افرادی که بتوانند در کلاس درس این استادان آموزش لازم را دریافت کنند وجود نداشت، نزدیک به ۱۵۰ نفر جوان بین چهارده و شانزده ساله که توانایی خواندن و نوشتن داشتند و اغلب از خانواده‌های اعیان و شاهزادگان بودند برای آموزش در دارالفنون انتخاب شدند. البته این گروه آمادگی یادگیری نداشتند و استادان هم به زبان خارجی (اغلب به فرانسه) تدریس می‌کردند و مترجمان به طور همزمان مطالب آنها را ترجمه می‌کردند. این کار با مشکلات و مسائل فراوانی همراه بود. با وجود این، استادان خارجی مردان تجربه و عمل بودند و آموزش آنها عملی و تجربی بود.

نخستین کتابهای درسی را، پس از چند سال که استادان خارجی در کلاسها به طور عملی تدریس کرده بودند، مترجمان آنها با استفاده از یادداشتهایی که خود آماده ساخته

۱. میرزا رضاخان یکی از پنج محصلی بود که عباس میرزا نایب‌السلطنه برای آموختن علوم و فنون جدید به انگلستان فرستاد. میرزا رضاخان پس از چهار سال اقامت در لندن به ایران بازگشت و خدماتی در پیشرفت سپاه ایران در لشکرکشی محمدشاه به هرات انجام داد.

۲. نام کشور اتریش در آن زمان نمسه بود. از این رو این استادان با عنوان نمساری معرفی می‌شدند.

۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه سوم ماه صفر ۱۲۶۸، گزارش کار را انتشار داده است.



میرزا تقی خان امیرکبیر | ۱۲۷۶ هـ.ق |

بودند و یا کتابهایی که آن استادان از خارج آورده یا در اینجا نوشته بودند، فراهم آوردند. این کتابها در چاپخانه دارالفنون<sup>۱</sup> به صورت چاپ سنگی تهیه می‌شد و در دسترس دانشجویان قرار می‌گرفت. علاقه و پشتکار اولین گروه معلمان ایرانی و خارجی

۱. چاپخانه چاپ سنگی دارالفنون یا دارالطباعه خاصه علمیه مبارکه دارالفنون طهران همزمان با گشایش مدرسه دارالفنون شروع به کار کرد. تشکیلات این چاپخانه اختصاصاً برای چاپ کتابهای درسی که عموماً در این چاپخانه به چاپ می‌رسید مهیأ شده بود. این چاپخانه از سال تأسیس (۱۲۶۸ق) تا حدود سال ۱۳۰۰ قمری جمعاً در حدود ۳۰ الی ۴۰ جلد کتاب درسی را چاپ و صحافی و انتشار داد... این چاپخانه تا سال ۱۳۲۶ق برقرار بوده است. چاپخانه چاپ سنگی دارالفنون، نوشته حسن گلپایگانی، ماهنامه صنعت چاپ، شماره ۱۲۰، دی ماه ۱۳۷۱، صص ۲-۵۱.



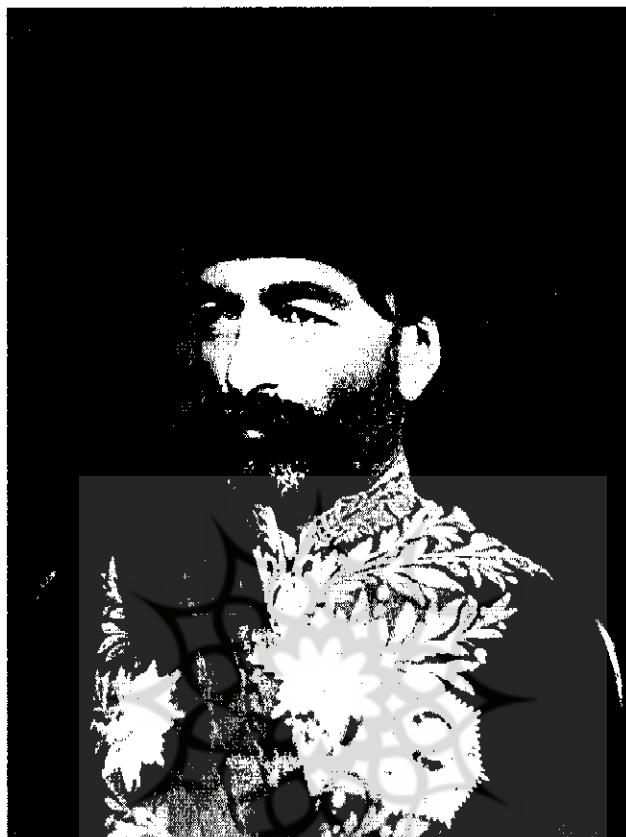
نمایی از مدرسه دارالفنون و مناطق اطراف آن در یک روز برفی تهران | ۱۳۰۴-۴۶۸۱ع

دارالفنون بسیار چشمگیر بود. آنها همه لوازم کار خود - اعم از کتاب، آزمایشگاه، کارگاه، عکاسخانه و چاپخانه - را شخصاً تهیه کردند و با آنکه دانشجویان آنها فرزندان شاهزادگان و درباریانی بودند که آمادگی و پشتکار لازم را نداشتند، باز هم توانستند دانش‌آموختگانی را تربیت کنند که برای آنان جانشینان شایسته‌ای باشند.

نخستین مشکلی که برای تهیه کتابهای درسی وجود داشت (و در طول این ۱۵۰ سال اخیر کم و بیش این مشکل ادامه داشته است)، نداشتن اصطلاحات علمی تعریف شده‌ای بود که به جای واژه‌های خارجی به کار رود. نداشتن کاغذ و مرکب مرغوب، فقدان استادکار ماهر، و تجهیزات ناقص از دیگر مشکلات بود که همه آنها با مدیریت و کمک علیقلی میرزا، اعتضادالسلطنه وزیر علوم<sup>۱</sup> و رضاقلی خان هدایت<sup>۲</sup> معروف به

۱. علیقلی میرزا ملقب به اعتضادالسلطنه (۱۲۳۸-۱۲۹۸ق) عموی ناصرالدین شاه (نخستین وزیر علوم و چهارمین رئیس دارالفنون بود) او مردی دانشمند و دانش‌پرور بود که به تألیف چند کتاب همت گماشت. در سال ۱۲۸۰ قمری با جمع‌آوری کتابهای فارسی و خارجی کتابخانه دارالفنون را تأسیس کرد و هر سال بر تعداد کتابها می‌افزود.

۲. رضاقلی خان معروف به (سله‌باشی) (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق) نظامت و سرپرستی مدرسه را در نخستین سالهای



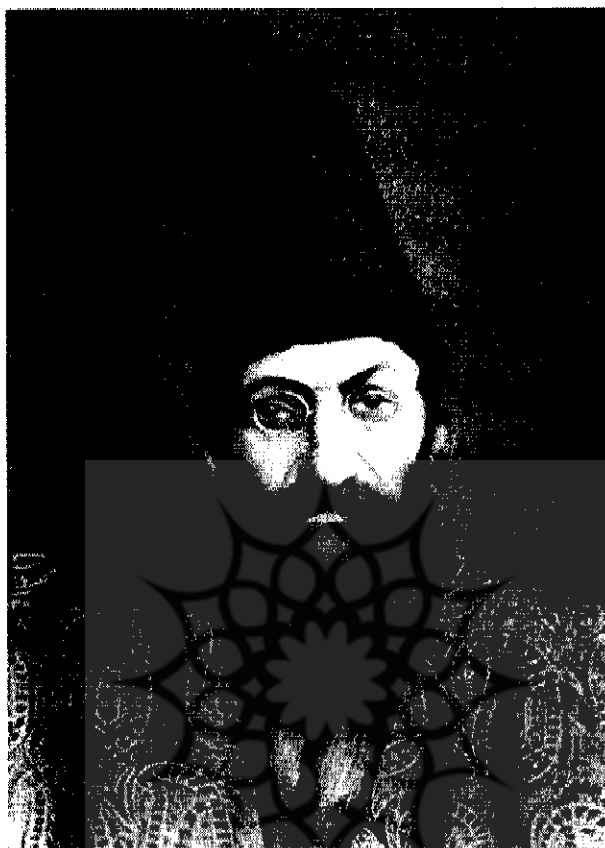
علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، اولین وزیر معارف در اواسط دوره قاجاریه (۱۲۰۱-۱۲۰۷)

بلبله‌باشی، ناظم و سرپرست مدرسه، برطرف می‌شد. گفتنی است که نخستین مدیران دارالفنون از دانشمندترین و آگاه‌ترین اشخاص عصر خود بودند و همین مدیریت آگاهانه سبب شد که استادان خارجی هر سال یک کتاب بنویسند و مترجمان ایرانی آن کتابها را به فارسی برگردانند. چند نمونه از نخستین کتابهایی که در دارالفنون تدریس می‌شد:

۱. میزان‌الحساب، تألیف موسیو کریشش؛ ترجمه محمدزکی میرزا مازندرانی، تهران: دارالفنون ۱۲۷۴ق.

۲. فیزیک، کریشش نساوی؛ ترجمه میرزا زکی مازندرانی، تهران: دارالفنون ۱۲۷۴ق.

→ تأسیس بر عهده داشت. رضاقلی‌خان در لغت، فلسفه، حکمت، عرفان و شعر و ادب فارسی و عربی و نوشتن تاریخ آگاهی و مهارت داشت و خود چندین جلد کتاب تألیف کرد.



رضاقلی هدایت، لله‌باشی نخستین رئیس مدرسه دارالفنون | ۱۲۱۱-۱۴۱۱

۳. کتاب تشریح بدن‌الانسان، پولاک، تهران: دارالفنون ۱۲۷۰ق، ۳۵۵ صفحه.
۴. کتاب جبر و مقابله، مؤلف بهلر فرانسوی، ترجمه عبدالرسول‌خان مهندس اصفهانی، به اهتمام رضاقلی ناظم مدرسه دارالفنون، ۲۵۶ ص.
۵. زبده‌الابدان، جان. ال. شلیمر فلمنکی به دست‌یاری محمدتقی بن محمدهاشم انصاری طیب کاشانی، ۱۲۷۹ق.
۶. زبده‌الحکمه، پولاک نمساوی؛ گردآوری میرزا علی‌تقی آقا محمداسماعیل، تهران، ۱۲۷۲ق.
۷. جراحی: مشتمل بر دو جلد و یک رساله در کحالی، پولاک نمساوی، تهران، ۱۲۷۳، ج ۳ در یک مجلد.

### نخستین کتاب فیزیک

نخستین کتاب درسی فیزیک در ایران در سال ۱۲۷۴ ق مطابق با ۱۲۳۶ شمسی / ۱۸۵۷ میلادی در تهران به صورت چاپ سنگی به طبع رسید. نویسنده کتاب مسیو اگوست کرشیش نمساوی (اتریشی) استاد فیزیک مدرسه دارالفنون بود. این کتاب را میرزا زکی مازندرانی با عنوان جزئ‌الثقال و حکمت طبیعی به زبان فارسی ترجمه کرد و در چاپخانه دارالفنون به چاپ رساند.<sup>۱</sup>

کتاب فیزیک ترجمه میرزا زکی مازندرانی از جهت واژه‌ها، اصطلاحات علمی - که نخستین بار در زبان فارسی برگزیده و به کار برده شده، همچنین به لحاظ تعریف بعضی مفاهیم و کمتهای فیزیکی و تغییراتی که در طول یک قرن و نیم گذشته برای آنها صورت گرفته - و از نظر تاریخ علم آموزنده است. شادروان هوشنگ شریفزاده، که از شیفتگان و آگاهان نسبت به علم و آموزش در ایران بود به تقیح این کتاب همت گماشت و با همکاری خانم آرمه زرسازی و خانم مهرناز طلوع شمس این کتاب را با اضافاتی برای چاپ مجدد به مرکز نشر دانشگاهی سپردند که امید است به زیور طبع مجدد آراسته گردد.

علاوه بر استادان، فارغ‌التحصیلان دارالفنون هم به نوشتن کتابهای درسی دست زدند. مثلاً آقاخان مصفا ملقب به محاسب‌الدوله که از نخستین شاگردان دارالفنون است، تاریخچه مدرسه دارالفنون<sup>۲</sup> را نوشته و در آن متذکر شده است که:

نظر به اینکه نسخه موجز و مفیدی از جبر و مقابله به طبع نرسیده بود یک کتابی در جبر و مقابله تألیف نمودم و به طبع رسانادم. کتابی هم در علم حساب تألیف کردم. یک نسخه جبرقیل ترجمه کردم و یک کتابی هم در جغرافیا جمع و تألیف کردم و در اصفهان به طبع رسانادم.

البته مشخص می‌شود که در همان زمان هم به معلم و مؤلف توجه نمی‌شده است به

۱. در مقدمه این کتاب چنین آمده است: «از جمله معلمین عالیجاه موسیو کرشیش نمساوی سرهنگ و معلم کل علوم توپخانه و هندسه است. که در عرض این مدت با طبیعتی شایق و نبی صادق به تربیت شاگردان مخصوصه خود پرداخت و علوم ضروریه بسیار به ایشان آموخت تا هر یک قابل خدمت و لایق منصب شدند و از آن علوم سابقاً کتبی چند مرقوم و مطبوع افتاده و از آن جمله است این کتاب در تشریح و توضیح علم جبرالثقل و علم حکمت طبیعی که از علوم غامضه و مفید فایده است و چون به دستیاری عالیجاه، میرزا زکی مازندرانی یاور توپخانه و مترجم کامل مدرسه از لغت فرانسوی به پارسی متداوله نقل و تحویل یافت به جهت تکثیر فواید و تعدد رسائل در دارالطباعه ناظم دارالفنون رضائلی چندین مجلد انطباق یافت و در کتابخانه خاصه مدرسه مذکوره مجموع و مضبوط افتاد.

۲. اقبال یغمایی (۱۲۹۵-۱۳۷۶). مدرسه دارالفنون به انضمام تاریخچه دارالفنون و مدارس شرف و علمیه. تهران، سروا، ۱۳۷۶.

طوری که همین نویسنده کتاب درسی می‌نویسد:

نظر به اینکه حقوقی که از مدرسه به امتثال بنده داده می‌شد کافی از برای معاش نبود و مقارن این احوال بانک شاهنشاهی ایران و معادن در شرف تأسیس بود... این بنده هم از آن تاریخ وارد بانک شاهنشاهی شدم.

### بعضی از معلمان دارالفنون

مهدیقلی خان هدایت (مخبر السلطنه) می‌نویسد:<sup>۱</sup>

در دوره اول دارالفنون معلمینی بوده‌اند که از همه آثار [جدیدیت] باقی است و بعدها آن دلسوزی را در کار نداشتند. کریشش معلم تویخانه و ریاضی بوده، میرزا زکی پسر حاجی میرزا آقای مازندرانی که به پاریس رفته بوده است و فرانسه می‌دانسته مترجم او بوده است. دکتر پولاک معلم طب و جراحی به مترجمی محمدحسین خان قاجار، چون کلوکه (Clo uel) فرانسوی فوت می‌کند، حکیم‌باشی مخصوص می‌شود. شلیمر نمسوی به جای او به تدریس طب می‌پردازد. این شلیمر قرآنادینی [کتاب داروشناسی] در طب و نباتات نوشته است که چاپ شده. مقدم، اسم لاتینی نباتات است، مترجم به فرانسه، انگلیسی و آلمانی در اول کتاب اسامی فارسی و عربی را مرادف کرده است و حواله به صفحات کتاب. الحق نسخه‌ای پرارزش است و جا دارد که تجدید چاپ شود.

این شلیمر سعی می‌کرده است بلور بسازد و نمی‌شده است گفتند:

ای شلیمر یکزمان در کار خود اندیشه کن گرنمی‌گردد بلور این کوزه‌آن را شیشه‌کن

همین نویسنده سالها بعد که تعداد مدارس زیاد می‌شود و دیگر از استادان خارجی اثری نیست می‌نویسد:<sup>۲</sup>

برنامه مدارس ما صحیح نیست هنوز یک مدرسه با تمام ملزومات نداریم و مدرسه زیاد می‌کنیم و افاده‌چی ناقص می‌سازیم. از هر طبقه در مدارس قبول می‌کنیم و یک رقم تدریس، ادارات ما روزه روز پر می‌شود از اجزایی که طرف حاجت نیستند. چند سال است که مدرسه فلاحت داریم، یک نفر که به حقیقت فلاحت بداند تربیت نشده است. اگر هم ندرتاً یکی چیزی آموخته است به آبادی ملک پدرش نپرداخته... ممالک مرفعی برای هر حرفه، نجاری، آهنگری، خانه‌داری، آشپزی، خیاطی و غیره مدرسه دارند. مدرسه باید کار آگاهان سر نیز بر بسازد نه مفسدان سر به هوا... این را هم بگویم عالم به هر فنی بیش از حاجت، وجود معطله خواهد بود.

۱. حاج مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه). خاطرات و خطرات. انتشارات زوار، ۱۳۷۵، چاپ چهارم، صص ۵۸، ۵۷. ۲. همان.





معلمین و محصلین مدرسه ابتدایی دولتی رشت به مدیریت میرزا حسن رشديه | ۱۳۲۸-۱۳۲۸ع |

## ۲. کتابهای درسی مدارس جدید تا ۱۳۰۷

نخستین مدرسه ابتدایی به سبک جدید ۳۷ سال و نخستین دبیرستان ۲۷ سال پس از تأسیس دارالفنون که یک مرکز عالی آموزشی بود، در ایران تأسیس شد. ملاحظه می‌شود که دارالفنون در هنگام تأسیس پیش‌نیازهای خود را نداشته و از این رو آن انتظاری که از آن می‌رفت حاصل نشد.

میرزا حسن رشديه پس از آنکه مدرسه‌ای را در ایروان تأسیس کرد و مورد توجه ایرانیان قرار گرفت، تشویق شد تا مدرسه‌ای در تبریز بگشاید. گرچه این مدرسه مورد استقبال مردم قرار گرفت ولیکن چندین بار بسته و رشديه متواری شد. ولیکن هر بار عشق به تعلیم و تربیت کودکان ایرانی او را به تحمل سختیها و ادار کردن به طوری که نام او زینت‌بخش تاریخ آموزش و پرورش کشور شد.

این مدرسه علاوه بر تدریس کودکان به مردان بی‌سواد ۲۵ تا ۴۰ ساله هم آموزش می‌داد به طوری که در مدت ۹۰ ساعت تدریس، خواندن و نوشتن را فرامی‌گرفتند.

۱. حاج میرزا حسن رشديه (۱۳۶۳-۱۲۶۷ق) از نخستین بنیانگذاران مدرسه جدید در ایران است. وی را به راستی پیر معارف و پدر مدرسه جدید در ایران لقب داده‌اند.

رشدیه بعداً به تهران رفت و کار خود را دنبال کرد.

میرزا حسن رشدیه نخستین مؤلف کتابهای درسی ابتدایی در ایران است. از او ۲۷ کتاب چاپ شده موجود است که بعضی از آنها عبارتند از:  
 هدایةالتعلیم، این کتاب را برای نوآموزان سال اول ابتدایی در سه جلد نوشته است.  
 جلد اول برای دو ماه اول، جلد دوم و سوم برای پنج ماه آخر  
 نهایةالتعلیم، جلد اول درس فارسی و جلد دوم شامل مطالب علمی  
 کفایةالتعلیم، برای آموزش املائی فارسی  
 هدایةالتعلیم، برای تربیت معلم  
 اخلاق، برای شش کلاس دبستان.

رشدیه این کتابها را با هزینه خود چاپ می‌کرد و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد. جالب است بدانیم که رشدیه برای اداره مدرسه، نظامنامه‌ای نوشته که شامل چهل و یک فصل است و هر فصل به یک موضوع اختصاص دارد. مثلاً در تکالیف مدیران مدارس ابتدایی می‌نویسد:<sup>۱</sup>

– مدیر مدرسه در قبول متعلم اگر فقط شهریه را منظور بدارد بسی ظلم کرده است.  
 – مدیر باید شهریه را محض استقلال تعلیم و تربیت اخذ نماید، زیرا که مطالبات اجرت برای تعلیم حرام است.

مدیر مدرسه اگر نتواند از حالات دروس عموم متعلمین مستحضر شود، مدرسه را تعطیل نماید که وبالش تخفیف یابد.

در سالهای بعد به تدریج مدارس ویژه‌ای در تهران و شهرستانها دایر شد و کتابهای درسی به وسیله مؤسسين، مدیران و معلمان این مدارس تألیف و نشر یافت.<sup>۲</sup> نمونه کتابهایی که در دوره ابتدایی تدریس می‌شد عبارتند از:

کتاب علمی در اخلاق و اصول و فروع دین از میرزا یحیی دولت‌آبادی  
 تعلیم‌الاطفال در الفبا و قرائت فارسی از میرزا محمودخان مفتاح‌الملک  
 شجره طیبه در اخلاق و اصول و فروع دین از میرزا یحیی دولت‌آبادی  
 تاریخ مختصر ایران از محمدعلی فروغی ذکاءالملک

۱. دکتر اقبال قاسمی پویا، مدارس جدید در دوره قاجاریه، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، صص ۲۰۸-۲۰۷.  
 ۲. یکی از افرادی که در تعلیم و تربیت و فرهنگ معاصر اصفهان نقش مؤثر داشته است حاج سید سعید طباطبایی نائینی (متولد ۱۲۹۳ ه.ق) است. وی بنیانگذار ۱۰ مدرسه، یک کتابخانه و چاپخانه گلپهار در اصفهان، همچنین مؤسس کتابخانه گهرشاد مشهد است. او ۱۸ جلد کتاب درسی برای دانش‌آموزان تألیف کرده است. بنگرید به: نقش حاج سید سعید طباطبایی نائینی در تعلیم و تربیت و فرهنگ معاصر اصفهان، مجتبی ایمانیه، پادمان فرهنگ، ج ۱، موزه آموزش و پرورش اسنان اصفهان، صص ۸۵-۲۹.

جغرافیا از میرزا رضاخان مهندس‌الملک

کتابهایی که برای دوره ابتدایی نوشته می‌شد بر اساس سلیقه و تجارب شخصی نویسنده بود و هدف و برنامه، همان اندیشه‌های نویسنده بود که اغلب با شرایط سنی کودکان و مسائل یادگیری آنها مطابقت نداشت.

نخستین مدرسه متوسطه در ایران<sup>۱</sup> در سال ۱۳۱۵ق/ ۱۲۷۵ش به نام مدرسه علمیه تأسیس شد. در این مدرسه علاوه بر درسهای ادبی، درسهای فیزیک و شیمی و ریاضی و طبیعی نیز تدریس می‌شد. اما این درسها کتاب و برنامه منظمی نداشتند. معلمین نیز برای تدریس آموزش اختصاصی ندیده بودند. اغلب این معلمین از کتابها و جزوه‌هایی که خود در دارالفنون داشتند در کلاس درس جزوه می‌گفتند و بچه‌ها می‌نوشتند. به این ترتیب جزوه‌نویسی مهم‌ترین فعالیت آموزشی بود که متأسفانه در بعضی از کلاسها هنوز ادامه دارد.

یکی از محصلین خوب دارالفنون علی‌خان مهندس<sup>۲</sup>، پسر قاسم است. نامبرده پس از گذراندن دوره تحصیلات خود در دارالفنون به فرانسه اعزام شد و در آنجا دوره تویخانه را گذراند. او پس از بازگشت به ایران به معلمی تویخانه دارالفنون برگزیده شد و در این مدت به تألیف تعدادی کتاب دست زد. یکی از این کتابها که در دارالفنون مدتها تدریس می‌شد کتاب حکمت طبیعی - اصول علم فیزیک بود. موضوع این کتاب مکانیک جامدها مکانیک سازه‌ها، گرما، الکتریسته و مغناطیس بود. نخستین چاپ این کتاب در سال ۱۲۹۵ هجری قمری برابر ۱۲۵۶ شمسی بود.<sup>۳</sup>

پس از تأسیس مدارس جدید به تدریج تألیف کتابهای درسی مدارس متوسطه آغاز شد. از افراد آگاهی که در نوشتن کتاب درسی پیش قدم بوده است میرزا محمدعلی‌خان ذکاءالملک فروغی بوده که نخستین کتاب فیزیک را برای دوره دبیرستان نوشته است. در مقدمه این کتاب می‌خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم  
دیباچه

بعدالحمد والصلوة، هشت نه سال قبل این بنده در مدرسه علمیه که از مدارس متوسطه شهر طهران محسوب می‌شود سمت معلمی علم فیزیک داشتم و سه دوره

۱. اسفندیار معتمدی، «نخستین دبیرستان در ایران»، مجله رشد معلم، سال ۱۸، ش ۴ (آذر ۱۳۷۸)، ص ۶۲-۶۴.
۲. میرزا علی‌خان سرتیپ (ناظم‌العلوم) تحصیل‌کرده مدرسه سن‌سیر فرانسه و از فعالان انجمن معارف تهران، مسئول مدرسه علمیه و ناظم مدرسه همایونی در اصفهان و مترجم کتاب تلماک و معلم تویخانه و مدیر دروس دارالفنون بود. مدارس جدید در دوره قاجاریه، ص ۱۰۴.
۳. فهرست کتب درسی چاپ سنگی، ص ۱۵۳.

این علم را برای سه طبقه از طبقات متعلمین آن مدرسه تدریس نمودم. دوره اول را به مقتضای استعداد محصلین بالنسبه منصل گفتم و دوره دوم و سوم را که کم‌قوه‌تر بودند مختصر کردم و از آنجا که کتابی در این علم مناسب تدریس طبقات مزبوره موجود نبود مطالب را از خارج برای شاگردان تقریر می‌نمودم و می‌نوشتند. تقریراتی که برای طبقات دوم و سوم کرده بودم چون جمع و تدوین شد به صورت کتابی درآمد. در این اوقات بعضی از دوستان آن را پسندیده و چون احتیاج مدارس را به یک دوره مختصر از علم فیزیک می‌داشتند بنده را محرک شدند که بعضی تصاویر بر آن کتاب ملحق نموده و آن را به طبع برسانم... ۱۳۲۷ بنده شرمندۀ محمدعلی بن فروغی (دکاءالملک)<sup>۱</sup>

### کتابهای وزارتی

در سال ۱۲۹۰ شمسی قانون اساسی وزارت معارف به تصویب رسید و تعلیمات عمومی و اجباری جزو وظایف دولت قرار گرفت. نظام آموزشی چهار نوع مدرسه: مکاتب ابتدایی دهکده، مکاتب ابتدایی بلده، مدارس متوسطه و مدارس عالییه را شامل بود. بر طبق این قانون همه دستگاههای تعلیم و تربیت دولتی و خصوصی با برنامه یکسان، زیر نظارت دولت قرار گرفت و دوره تعلیمات ابتدایی شش سال و تعلیمات متوسطه نیز شش سال مقرر شد. بر اساس این قانون دولت به تأسیس دبستانها و دبیرستانها در سراسر کشور دست زد و دارالمعلمین (دانشسرای مقدماتی) برای تربیت دبیر تأسیس شد.

در سال ۱۳۰۰ شمسی قانون شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید. مطابق این قانون کلیه امور مدارس شامل سازمان، برنامه، امتحانات، استخدام معلم، مدت زمان آموزش در سطح کشور یکسان شد و مؤلفان ملزم شدند که کتابهای درسی را مطابق برنامه‌ای که از طرف وزارت معارف<sup>۲</sup> به آنها ابلاغ می‌شد تألیف نمایند. در همین برنامه بود که آموزش علوم در ایران از دوره ابتدایی آغاز شد و کتابهایی نیز برای آموزش علوم نوشته شد.

البته این برنامه سه چهار سال بیشتر دوام نیاورد و به دلیل کمبود کاغذ و مشکل چاپ

۱. محمدعلی فروغی (۱۲۵۶-۱۳۲۱). فیزیک. مقدمه، کتابخانه ایران.

۲. وزارت علوم در سال ۱۲۷۵ قمری برابر ۱۲۳۷ شمسی تأسیس شد. در سال ۱۲۴۷ شمسی برابر ۱۲۸۵ قمری نام آن به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر کرد. در خرداد ۱۳۱۴ شمسی به نام وزارت فرهنگ شد. در آذر ۱۳۴۳ به دو وزارتخانه تقسیم شد: یکی وزارت فرهنگ و هنر و دیگری وزارت آموزش و پرورش. در بهمن ۱۳۴۶ به وزارتخانه آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی تقسیم شد.

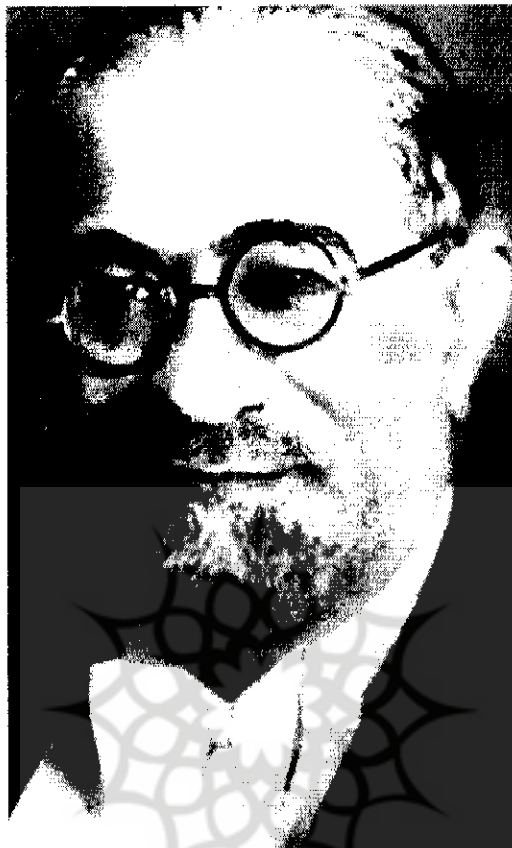


یحیی قراگوزلو (اعتمادالدوله) وزیر معارف و اوقاف | ۲۵۵۸-۱۳۴۴

تدریس علوم در مدارس ابتدایی منحصر به یک درس به نام علم‌الاشیاء، آن هم برای کلاس پنجم دبستان منظور شد. در سال ۱۳۰۷ شمسی در زمان وزارت قراگوزلو (اعتمادالدوله) تهیه کتابهای درسی ابتدایی بر عهده وزارت معارف قرار گرفت و نخستین بار کتابهای وزارتی در سطح کشور انتشار یافت.

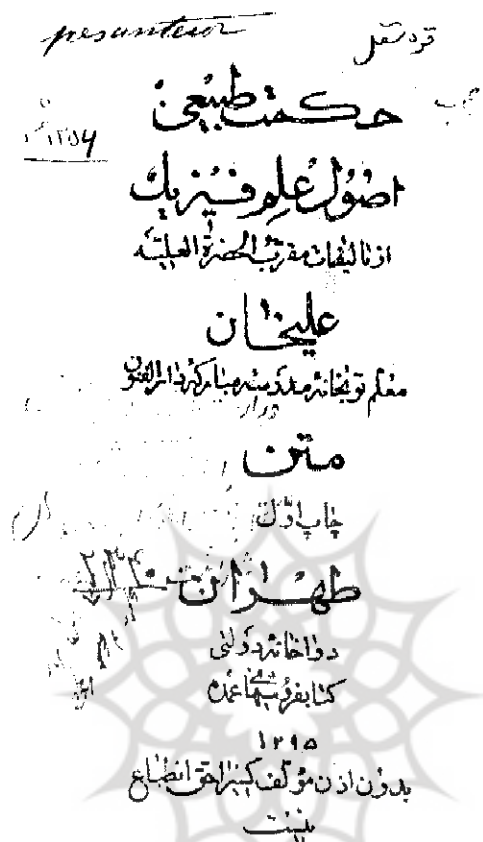
کتابهایی که به راهنمایی و سرپرستی وزارت فرهنگ انتشار یافت از لحاظ مفاهیم علمی و ادبی متناسب با نیاز سنی دانش‌آموزان و احتیاجات اجتماعی آنها بود و نسبت به کتابهای قبلی ارزان‌تر، و از نظر چاپ هم مرغوب‌تر بود و مشکل تحصیل دانش‌آموزان از نظر کتاب برطرف شد.

به دنبال نتیجه‌ای که از چاپ و انتشار کتابهای دبستانی حاصل شد تهیه کتابهای



محمدعلی فروغی | ۱۳۴۳-۱۳۵۵

دبیرستانی هم مورد توجه وزارت معارف قرار گرفت و در تاریخ ۲۷ مهرماه ۱۳۱۷ تصویب‌نامه‌ای از هیئت وزیران گذشت که در آن نگارش کتب دبیرستانی را نیز بر عهده وزارت معارف قرار داد. به دنبال این تصویب‌نامه کمیونی از دبیران، دانشیاران و استادان در هر موضوع تشکیل شد تا کتابهای دبیرستان را برنامه‌ریزی و تألیف نمایند. بر طبق آیین‌نامه مقرر شد همه کتابهای دبیرستانی بر طبق یک اسلوب مطلوب و موافق با اصول آموزش و پرورش نگارش یابد به طوری که علاوه بر مواد علمی و ادبی مؤید خصال ملی و ملکات راسخه باشد که از عهد باستان سرشته نهاد ایرانیان بوده است. به دنبال این اقدام مؤثر در مدت سه سال هشتاد جلد کتاب دبیرستانی به سرمایه وزارت فرهنگ منتشر شد. این کتابها که به عنوان کتابهای وزارتی معروف بودند از نظر دقت در صحت مطالب و زیبایی چاپ و نوع کاغذ و جلدسازی نسبت به کتابهای قبلی در



سطح بسیار ممتازی قوار گرفتند. ششگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افرادی که در هر یک از گروه‌های درسی شرکت داشتند از موجه‌ترین و شایسته‌ترین افراد متخصص و صاحب‌نظر آن زمان بودند. (۱) حق‌التألیف این کتابها از راه فروش آنها تأمین می‌شد و با وجود پرداخت حق‌التألیف مناسب بهای هر کتاب بسیار ارزان بود.

۱. مؤلفین کتابهای فیزیک سال سوم دبیرستان عبارت بودند از:
- |                                    |                           |
|------------------------------------|---------------------------|
| دکتر محمود حسینی، استاد دانشگاه    | مرتضی قلی اسفندیاری، دبیر |
| دکتر کمال جناب، دانشیار            | مدنی گرگانی، دبیر         |
| دکتر امانت‌الله روشن‌زائر، دانشیار |                           |
- و مؤلفین کتابهای تاریخ عبارت بودند از:
- |                                   |                                 |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| عبدالحسین شیبانی، استاد دانشگاه   | دکتر رضا اده‌شقق، استاد دانشگاه |
| غلامرضا رشید یاسمی، استاد دانشگاه | نصرت‌الله فلسفی، استاد دانشگاه  |
- حسین فرهودی، دبیر

از ایراداتی که به کتابهای وزارتی گرفته می‌شد یکی استفاده از اصطلاحاتی بود که فرهنگستان ایران انتخاب و توصیه کرده بود و بسیاری از آنها در ذهن معلمان جای نگرفته بود و دیگر آنکه اغلب مفاهیم علمی و ادبی از سطح یادگیری دانش‌آموزان متوسطه بالاتر بود. البته تعداد دبیرستانها و دانش‌آموزان کشور هم خیلی زیاد نبود و وزارتخانه در سالهای نخستین به خوبی توانست نیاز دانش‌آموزان را برطرف سازد.<sup>۱</sup>

### آزادی تألیف کتابهای درسی

در شهریور ۱۳۲۰، نیروهای متفکین به کشور ما وارد شدند و آثار شوم جنگ دوم جهانی در ایران ظاهر شد. بهای کالاها و خدمات در کشور افزایش و درآمد دولت کاهش یافت. چاپ و توزیع کتابهای درسی هم با اشکالات فراوان روبه‌رو شد و اصولاً تصدی امور بازرگانی به وسیله دولت مورد شک قرار گرفت و بسیاری از کارها که به وسیله دولت اداره می‌شد به بخش خصوصی منتقل شد. آزادی تألیف کتابهای درسی هم بحث گرم روز شد و آنان که منافع در این راه برای خود متصور بودند به پا خاستند و از رقابت علمی و آزادی چاپ و تألیف سخن گفتند و دلایلی بر تأیید نظر خود اعلام نمودند. وزارت فرهنگ نیز که در فکر کاهش مسئولیت خود بود تألیف و تهیه کتاب درسی را آزاد اعلام کرد. (۱۳۲۴)

آزادی تألیف گرچه بسیاری از افراد را به تحقیق و نوشتن تشویق کرد ولیکن چون راهنمایی و نظارت دقیقی به دنبال نداشت با خود نابسامانیهای فراوان به همراه آورد و نتایج مطلوب حاصل نشد.

برخی از مشکلات چنین بود:

۱. به کار بردن اصطلاحات متفاوت به وسیله مؤلفین در انواع کتابهای یک ماده درسی.
۲. نابرابری کیفیت و کمیت کتابهایی که در کلاسهای مختلف برای یک ماده درسی تدریس می‌شد.
۳. گران بودن بهای کتابهای درسی با توجه به بالا بودن تیراژ آنها.
۴. عوض شدن کتاب درسی با جابه‌جا شدن معلمان به طوری که گزارشهایی به بازرسی رسیده بود که در یک شهر دانش‌آموزان در یک سال هفت بار کتاب عوض کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. «عده دبیرستانها در مدت دو سال از ۱۸۰ باب به ۲۱۷ باب رسیده است». سالنامه مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۱۷.

۲. دکتر ریاحی، «کتاب درسی»، ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۴، سال سی و سوم، خرداد ۱۳۲۲، ص ۹.



۵. زبانهای ناشران و کتاب‌فروشان از تعویض و تغییر کتابها و راکد ماندن سرمایه آنها.  
 ۶. دست‌بندیهای فرهنگی و تشکیل گروههایی برای اعمال قدرت در فرهنگ کشور.  
 ۷. نرسیدن به موقع کتاب و ایجاد بازار سیاه و بی‌دقتی در چاپ و اغلب اعمال مسائل سیاسی در آموزش و پرورش.

در مدت نزدیک بیست سال کتابهای درسی آزاد شد به امید آنکه رقابت آزاد باعث اعتلای کتابهای درسی شود ولیکن نتیجه مطلوب حاصل نشد و انتقاداتی از هر طرف آغاز شد. تا آنجا که اعلام شد «کتابهای درسی در ایران ملعبه دست عده‌ای ناشر سوداگر و مؤلف بی‌دقت و وزارت فرهنگ بی‌تصمیم است»<sup>۱</sup>

مرحوم جلال آل‌احمد مقاله «بلیشوی کتابهای درسی» را در همین مورد نوشت. با وجود آنکه در سال ۱۳۳۵ شورای عالی فرهنگ اساسنامه‌ای راجع به کتابهای درسی دبیرستانها و موضوع چاپ و توزیع و بهای آنها تصویب کرد و کمیسیونهایی برای حصول اطمینان از «صحت مطالب، هماهنگی با برنامه‌ها، رعایت نظم منطقی، هماهنگی اصطلاحات و سادگی و روانی عبارات و ملاحظات تربیتی» تشکیل داد باز هم نتیجه نبخشید و گره از کار نگشود. به ناچار وزارت فرهنگ تألیف و نشر کتاب را دوباره به موجب تصویب‌نامه مورخه ۴۱/۱۲/۱۸ خود بر عهده گرفت و به کار پرداخت.

ابوالقاسم پورحسینی می‌نویسد:

در سال ۱۳۲۵ تا مرداد ۱۳۳۲ انتشار کتابهای درسی آزاد شده بود و وزارت معارف [فرهنگ] با تعیین برنامه چاپ کتابهای درسی را آزاد گذاشته بود.

دبیران گروه‌گروه و دسته‌دسته جمع شده بودند و کتاب درسی می‌نوشتند و به وسیله بعضی از ناشران، کتابهای خود را به فروش می‌رساندند. قیمت کتابها دلخواه ناشر بود و تبلیغات کتب دبیرستانی هم رواج داشت. بازار رشوه و غیره هم گویا رواج داشت. هر کسی می‌توانست با اعمال نفوذ و توصیه از اولیای معارف سفارشنامه‌ای بگیرد.

روزی محمد رمضانی [صاحب انتشاراتی کلاله خاور] دست پرویز [شهرداری]

را گرفت و برد توی پستو و گفت:

می‌دانم علی‌الظاهر آزاده‌ای و مبارزه سیاسی هم می‌کنی و با فساد و دزدی و احتکار هم مخالفی. بیا و یک کار بکنیم! تو بیا هفت کتاب ریاضی برای دوره اول دبیرستان بنویس و من هم آنها را چاپ می‌کنم و با کمترین قیمت می‌فروشم و از این کتاب‌فروشیها و طمع‌کاری و تعدی بعضی افراد به بچه‌ها جلوگیری می‌کنیم. نه تو پول تألیف بگیر، نه من پول اضافه.

یک دستگاه چاپ دستی هم داشت که خودش با آن کار می‌کرد و همه زحمت چاپ و انتشار را خود بر عهده داشت. خودش پول کاغذ و مرکب را حساب کرد و قیمت کتابها هر کدام ۱۰ ریال گذاشته شد. و بازار را شکست و کتابها گرفت و مردم خیلی راضی شدند و شهرتی برای او و پرویز به دست آمد. کلاله خاور شهرت یافت و پس از چندی کار بالا گرفت و خدمتی جانانه با مساعدت آن مرد بزرگ انجام شد.<sup>۱</sup>

### تأسیس سازمان کتابهای درسی ایران

دکتر پرویز ناتل خانلری وزیر فرهنگ درباره کتابهای درسی چنین گفت (۲۴ شهریور ۱۳۲۴):

وضع کتابهای درسی ایران در سالهای اخیر از نظر ابتدال محتویات و تنوع بی‌حد و حصر و گران‌ی آنها و زردبندها و سوءاستفاده‌هایی که در کارها بود به جایی رسید که می‌بایست تصمیمات قاطعی به نفع مردم گرفته شود و آن فساد و هرج و مرج پایان یابد.

این تصمیم قاطع در جلسه مورخه ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ هیئت وزیران به صورت تصویب‌نامه زیر اعلام شد. به منظور بهبود وضع کتب درسی دبستانها و دبیرستانها و تهیه متن کتابهایی که متناسب با پیشرفت علم و فرهنگ و ارزانی بها و توزیع منظم باشد هیئت وزیران تصویب نمودند:

ماده ۱. تألیف و تهیه کتابهای درسی دبستان و دبیرستان از این تاریخ منحصرأ بر عهده وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش کنونی) است.

ماده ۲. برای تهیه متن این کتابها هیئتی در وزارت فرهنگ مرکب از عده‌ای از دبیران و استادان و سایر دانشمندان به تشخیص و دعوت وزارت مزبور تشکیل می‌گردد.

ماده ۳. مادامی که چاپخانه‌های وزارت فرهنگ یا دولتی تا آن حد مجهز نشده است که بتواند کلیه کتابهای مورد نیاز را تهیه کند وزارت فرهنگ می‌تواند چاپ و توزیع این کتابها را به شرکتی مرکب از ناشران و کتابفروشان که صلاحیت فنی و علمی و مالی این شرکت مورد تأیید وزارت فرهنگ قرار گیرد برای مدت معینی واگذار نماید.

ماده ۴. تا زمانی که متن تمام یا بعضی از کتابهای دبیرستانی از طرف هیئت مذکور در ماده ۲ تهیه نشده وزارت فرهنگ می‌تواند از بین تألیفات موجوده موقتاً یک

۱. ابوالقاسم پورحسینی. زندگی‌نامه استاد پرویز شهریاری. تهران، نشر مهاجر، ۱۳۸۱.

کتاب را برای تدریس هر ماده درسی انتخاب و بر طبق مقررات این تصویب‌نامه منتشر کند.<sup>۱</sup>

به دنبال این تصویب‌نامه سه کار اساسی زیر صورت گرفت:

۱. تشکیل شرکت سهامی طبع و نشر کتب درسی، که قرارداد چاپ و توزیع کتابهای درسی به آن واگذار شد.
۲. تشکیل ۱۴ کمیسیون با شرکت ۶۳ نفر از استادان و دبیران کارآموده برای انتخاب یک کتاب برای هر ماده درسی.
۳. تهیه اساسنامه سازمان کتابهای درسی ایران و به تصویب رساندن قانون آن.

ماده یک و دو این اساسنامه چنین است:

ماده ۱. به منظور تألیف و تهیه متون کتابهای درسی مورد نیاز دبستانها و دبیرستانهای کشور یک مرکز علمی به نام سازمان کتابهای درسی ایران تحت نظر وزارت فرهنگ طبق مقررات زیر تأسیس می‌شود.

ماده ۲. سازمان دارای شخصیت مستقل حقوقی است و رئیس سازمان نماینده قانونی و مسئول اجرای آن و سرپرست دستگاههای اداری و علمی آن خواهد بود. بر طبق مواد دیگر این تصویب‌نامه یک مرکز علمی، غیرانتفاعی به نام سازمان کتابهای درسی تشکیل می‌گردد تا کتابهای ایران را «با توجه به سنن مذهبی، علمی، فرهنگی و ملی و نیازمندیهای حال و آینده کشور بر مبنای آخرین و صحیح‌ترین اطلاعات علمی و متناسب با اصول تعلیم و تربیت و استعداد دانش‌آموزان در سالها و مراحل مختلف تحصیل و رعایت نظم طبیعی و منطقی و همراه با تصاویر لازم آماده گردد و سادگی و روانی عبارات و هماهنگی اصطلاحات علمی و املائی واحد صحیح و اصول نقطه‌گذاری در آنها ملحوظ گردد.»

به دنبال این اساسنامه مقدمات تشکیل سازمان کتابهای درسی ایران فراهم شد و سرانجام نخستین جلسه هیئت امنای آن با شرکت آقایان دکتر خانلری، دکتر ضیایی، رضا اقصی، دکتر محمود بهزاد و پروفیسور فاطمی در ۱۳۴۳/۸/۱۴ تشکیل شد و آقای دکتر محمود بهزاد با پیشنهاد وزیر فرهنگ و تصویب هیئت دولت به مدت سه سال به ریاست سازمان کتابهای درسی ایران منصوب شد.

تشکیل سازمان کتابهای درسی، در همان سال اول نتیجه داد و مشکلات کمبود کتابهای درسی از بین رفت. دکتر مظاهر مصفا مدیر ماهنامه آموزش و پرورش در مهرماه ۱۳۴۳ می‌نویسد:

۱. تصویب‌نامه هیئت وزیران

سهولت و سرعت کار در امر توزیع و انتشار، کم‌تظیر و درخور همه‌گونه ستایش و تقدیر بود... و باید به یاد داشت که هر کار درست که امروز با نیت پاک و نیالوده و هوش و متانت آغاز کنیم در تضمین و تأمین صحت و سرعت کارهای فردا پایه اصلی و اساسی خواهد بود. همتی که کارگزاران فرهنگ و دانشمندان بلندپایه و گران‌سنگ در فراهم کردن متن مهذب و مطلوب کتابهای درسی در کار کرده‌اند شایسته هرگونه تحسین و تشویق و آفرین است که رنج برده‌اند و گنج آورده و خون خورده و مشک پرورده‌اند.<sup>۱</sup>

سازمان کتابهای درسی، برای انجام مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته بود، از افراد ذیل جهت همکاری دعوت به عمل آورد: عبدالحسین مصحفی، غلامرضا عسجدی، میرزا جلیلی، حسین مجدوب در علوم ریاضی، باقر مظفرزاده، حسین دانشفر، هوشنگ شریفزاده، اکبر نوروزی، احمد خواجه‌نصیر طوسی در علوم تجربی، مرحوم دکتر محمدحسین حسینی‌بهشتی در علوم دینی، دکتر حسن انوری، دکتر رسول شایسته در ادبیات فارسی و شادروان خلیلی فر در جغرافی.

لازم است از مجتبی جعفریه معروف به دانش که بیش از چهل سال در چاپ و توزیع کتابهای درسی ایران صادقانه و آگاهانه خدمت کرد، نام برده شود.

### تغییر نظام آموزش و پرورش و کتاب درسی

در سال ۱۳۴۵ نظام آموزشی ایران از نظر هدف، برنامه و مواد آموزشی تغییر کرد. مقاطع تحصیلی از دو مقطع ابتدایی و متوسطه به سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تبدیل یافت. تعداد رشته‌ها و مواد درسی نسبت به گذشته افزایش کلی یافت. تهیه برنامه و تعیین سرفصلهای هر ماده درسی بر عهده دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی قرار گرفت و تألیف کتاب و چاپ و توزیع آن بر عهده سازمان کتابهای درسی ایران بود. حجم کار بسیار زیاد، مسئولیت بسیار سنگین و نیروی کار اندک بود. با وجود این سازمان کتابهای درسی ایران در مقاطع ابتدایی و راهنمایی توانست کتابهای درسی را به موقع تألیف، چاپ و توزیع کند.

در نظام جدید آموزش و پرورش، درسهایی مانند هنر و علوم تجربی از کلاس اول ابتدایی در برنامه قرار گرفت. برای هر کتاب دانش‌آموز یک کتاب روش تدریس یا راهنمای معلم تهیه شد. کتاب دانش‌آموز و کتاب معلم از نخستین سال شروع کار نظام جدید با هم توزیع شد. کتابهای دبستان و راهنمایی بر اساس اصول یادگیری و توجه به

۱. ماهنامه آموزش و پرورش، شماره ۵، دوره سی و چهارم، مهرماه ۱۳۴۳، ص ۹.



دکتر پرویز نائل خانلری وزیر فرهنگ

نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان تألیف شد و از نظر چاپ و کاغذ و جلدسازی با کتابهای گذشته تفاوت فاحش داشت. این کتابها همه به صورت رنگی چاپ می‌شد و پیش از شروع سال تحصیلی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت.

از سال ۱۳۵۳ سازمان کتاب درسی با دو مشکل عمده یکی موضوع تألیف و دیگری چاپ و توزیع روبه‌رو شد. تألیف کتابهای درسی برای رشته‌های متنوع و متفاوت دبیرستان کار آسانی نبود. لازم بود که در دوره متوسطه نظری و فنی حرفه‌ای حدود ۵۰۰ عنوان کتاب بر طبق برنامه جدید تألیف شود. تألیف این انبوه کتاب برای نخستین بار کار آسانی نبود. بعضی از رشته‌ها کاملاً تازه و جدید بودند و هیچ کتابی پیش از این به فارسی در موضوع آنها نوشته نشده بود. از این رو انتخاب مؤلف ورزیده امکان نداشت و کار مؤلفین تازه هم با خطاهای زیاد همراه بود. از سوی دیگر چاپ این همه کتاب در کشور کار مشکلی بود. مثلاً طبق قرارداد لازم بود در سال ۱۳۵۶ تعداد ۵۵ میلیون جلد کتاب

در فاصله ۵ ماه چاپ و توزیع شود که آن هم مقدور نبود و اغلب دست‌نویس مؤلف دیرتر از موعد مقرر به چاپخانه ارسال می‌شد و چاپ و توزیع آن به تأخیر می‌افتاد. گرچه مؤلفان کتابهای درسی و کارمندان کارگاههای فنی و هنری سازمان تلاش صادقانه کردند و به جای یک نوبت، به طور شبانه‌روزی کار می‌کردند تهیه این انبوه کتاب در مدت محدود مقدور نبود. علاوه بر این معلمان با محتوای کتابها آشنا نبودند و چون بعضی از کتابها به موقع به دست دانش‌آموزان نمی‌رسید تعدادی از کلاسها به حالت نیمه‌تعطیل در آمد و موج انتقاد عمومی را برانگیخت. این انتقادهای متوجه وزارت آموزش و پرورش شد به طوری که کارایی نظام جدید مورد شک قرار گرفت و به جای آنکه کاستیها جبران شود تغییر و تبدیلهای تازه‌ای روی برنامه‌ها و کتابها انجام شد که اغلب با شتابزدگی و بدون مطالعه همراه بود به طوری که بیش از آنکه نظام جدید آموزش و پرورش محصول خود را به جامعه عرضه کند به صورت یک نظام غیر کارآمد و مشکل‌ساز معرفی شد و پشتیبانی عمومی را از دست داد.

سازمان کتابهای درسی ایران علاوه بر کتابهای درسی دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان (رشته‌های مختلف) تألیف و چاپ کتابهای درسی دانش‌آموزان و دانشجویان مراکز تربیت معلم، دانشسراهای مقدماتی و دانشسراهای راهنمایی را بر عهده داشت. این سازمان در آخرین سال پیش از انقلاب، برای سال تحصیلی ۵۷-۵۸ جمعاً ۶۳۶ عنوان کتاب درسی را تألیف و چاپ کرد. تیراژ مجموع این کتابها بالغ بر ۷۰ میلیون جلد کتاب بود.

### سازمان پژوهشی و نوسازی آموزشی

سازمان کتابهای درسی ایران در حدود ۱۵ سال از نظر تولید کتابهای درسی نوآوریهای چشمگیری انجام داد. کتابهایی که برای نخستین بار در آن سازمان تألیف شد از نظر درستی متن، تناسب با یادگیرنده، زیبایی چاپ و جلدبندی با کتابهای گذشته بسیار متفاوت بود، لیکن قرار بر این بود که معلم قبلاً آموزش لازم را ببیند، علاوه بر کتاب درسی از آزمایشگاه و کارگاه و فیلم و دیگر ابزارها و مواد آموزشی کمک بگیرد. اما همه وظایف انواع مواد آموزشی بر عهده کتاب قرار گرفت آن هم اغلب با تأخیر به دست دانش‌آموز رسید و مشکلات دیگر اجتماعی و آموزشی هم به وجود آمد و چاره کار را در تأسیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی یافتند.

قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) که مسئولیت کار تألیف و چاپ و توزیع کتابهای درسی ایران را نیز بر عهده دارد در ۲۷ تیرماه ۱۳۵۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و سازمان تشکیل شد.

مسئولیت این سازمان بسیار گسترده‌تر از تألیف کتاب درسی است. در اینجا چند ماده از این قانون را ملاحظه می‌کنیم.<sup>۱</sup>

ماده ۱. به منظور تحقیق و بررسی در مسائل کیفی آموزش و پرورش و ارزشیابی مستمر و تنظیم برنامه‌های تحصیلی و تألیف و تدوین کتب درسی و آماده‌سازی مدارس و مؤسسات آموزشی تابع وزارت آموزش و پرورش برای کاربرد وسایل و روشهای نو در جهت اعتلای کیفیت آموزش و پرورش سازمانی به نام سازمان پژوهشی و نوسازی آموزشی که در این قانون سازمان نامیده می‌شود تشکیل می‌گردد.

ماده ۲. وظایف سازمان عبارت است از:

۱. پژوهش در محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف تحصیلی با توجه به نیازمندیهای کشور و توانایی و خصوصیت روانی دانش‌آموزان و تشخیص و تعیین هدفهای هر دوره تحصیلی و تهیه و تنظیم برنامه‌های درسی و تعیین نسبتهای مطلوب برای تحصیلات در سطوح و رشته‌های مختلف

۲. مطالعه و تنظیم روشهای ساده در زمینه امتحانات و ارزشیابی

۳. تهیه و تألیف و انتشار کتب و نشریات آموزشی و کمک برای دانش‌آموزان و معلمان و مربیان

۴. تعیین و تهیه مواد و وسایل آموزشی و فهرست استاندارد تجهیزات و وسایل آموزشی با همکاری سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور و تهیه و تنظیم طرحهای لازم برای نوآوری در روشها و وسایل آموزشی و اجرای طرحهای آزمایشی به منظور ارزشیابی روشها و وسایل آموزشی

۵. انجام دادن تحقیقات بنیادی در زمینه بهبود کیفی و کمی آموزش و پرورش

۶. تربیت کارشناسان مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش....

در ماده ۶ این قانون آمده است که: از تاریخ تشکیل این سازمان وظایف و اعتبارات و تعهدات سازمان کتابهای درسی به این سازمان منتقل می‌شود.

### کتابهای درسی بزرگسالان

پس از انقلاب مشروطیت آموزش عمومی مورد توجه قرار گرفت و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان در بعضی نقاط ایران تشکیل شد. این موضوع در ۱۳۰۵ بیشتر تقویت شد لیکن در سال ۱۳۱۵ رسمیت قانونی یافت. در این سال آیین‌نامه «تعلیمات اکابر» در هیئت دولت تصویب شد و دو سه عنوان کتاب درسی برای آموزش بزرگسالان،

۱. قانون سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی. مصوب ۲۷/۴/۱۳۵۵ مجلس شورای ملی ایران.

تألیف چاپ، توزیع و تدریس شد. اما جنگ جهانی دوم و پیامدهای ناگوار آن سبب توقف برنامه‌های آموزشی بزرگسالان شد و حدود ۱۵ سال این فعالیت متوقف شد تا آنکه در سال ۱۳۳۵ بار دیگر مورد توجه قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۱ سپاه دانش تشکیل شد و دو کتاب درسی سوادآموزی به کودکان و بزرگسالان تألیف و در اختیار آنها قرار گرفت. در سال ۱۳۴۳ با تشکیل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی موضوع تألیف کتاب درسی و کمک درسی برای بزرگسالان جدی‌تر شد و مسئولیت این کار را مستقیماً کمیته فوق بر عهده گرفت. از سال ۱۳۴۴ کتاب بخوانیم و بنویسیم، و راهنمای تدریس آن و پنج کتاب با عنوان بخوانیم و بنویسیم تألیف و در کلاسهای پیکار با بیسوادی تدریس شد. سپس اداره کل آموزش بزرگسالان تأسیس شد و تألیف کتابهای درسی و جزوه‌هایی در زمینه بهداشت و تندرستی، جغرافیا و تاریخ ایران و دیگر مواد خواندنی برای نوسوادان را بر عهده گرفت.

#### منابع و مأخذ

۱. آرین پور، یحیی. *از صبا تا نیما*. تهران، حبیبی، ۱۳۵۳ (۲ ج).
۲. آدمیت، فریدون. *امیرکبیر و ایران*. تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰، ج ۹.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان. *المآثر و الآثار*. به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳ (۳ ج).
۱۳. اقبال آشتیانی، عباس. *دوره مجله یادگار (سالهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵)*.
۴. سلطانپور، صدیقه و همکاران. *فهرست کتب درسی چاپ سنگی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران، ۱۳۷۶.
۵. صدیق، دکتر عیسی. *تاریخ فرهنگ ایران*. تهران، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، ۱۳۴۲.
۶. \_\_\_\_\_ *یادگار عمر*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴ (۳ ج).
۷. قاسمی‌پویا، دکتر اقبال. *مدارس جدید در دوره قاجاریه*. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
۸. محبوبی‌ازدگانی، حسین. *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ (۳ ج).
۹. موسوی‌گرمارودی، افسانه. *مدرسه دارالفنون*. به همت انجمن ترویج علم ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، خرداد ۱۳۸۲.
۱۰. هاشمیان، احمد (ایرج). *تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون تهران*. مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۹.
۱۱. هدایت (منجبرالسلطنه)، مهدیقلی. *خاطرات و خطرات*. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۵.
۱۲. یغمایی، اقبال. *مدرسه دارالفنون*. تهران، انتشارات سروا، ۱۳۷۶.







### حکمت طبیعی

## فیزیک

(فصل دوم)

مؤلف: دکتر سید علی حسینی  
مترجم: دکتر سید علی حسینی

کتابخانه عالی فرهنگستان علوم ایران  
کتابخانه عالی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۱۳

تألیف: دکتر سید علی حسینی  
مترجم: دکتر سید علی حسینی  
فصل اول  
اصول حکمت طبیعی  
دری ۱۳۰۶، چاپ اول ۱۳۰۷  
چاپ اول ۱۳۰۷

فصل دوم  
علم فیزیک  
دری ۱۳۰۶، چاپ اول ۱۳۰۷  
چاپ اول ۱۳۰۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدرسه دارالفنون  
پایگاه جامع علوم انسانی

### حساب

تألیف: دکتر سید علی حسینی  
مترجم: دکتر سید علی حسینی

### تاریخ

تألیف: دکتر سید علی حسینی  
مترجم: دکتر سید علی حسینی

کتابخانه عالی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

### مدرسه دارالفنون

مدرسه دارالفنون  
مدرسه دارالفنون

مدرسه دارالفنون  
مدرسه دارالفنون

مدرسه دارالفنون  
مدرسه دارالفنون

مدرسه دارالفنون  
مدرسه دارالفنون



## عربی

تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...

## هندسه فضائی

تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...

### تعلیمات مادیه

تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...



چاپ: ...



چاپ: ...

### توجهات

معالم ...  
 تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...

تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...

تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...



تألیف: ...  
 ترجمه: ...  
 ویراسته: ...  
 چاپ: ...



